



اخلاق سیاسی در حکومت نبوی حکمرانی خردمندانانه

اندیشه سیاسی

دکتر جلال حسینی پژوهشگر تاریخ اسلام

«اخلاق» وقتی با اموری چون «ثروت» و «قدرت» و «مکنت» هم‌نشین شود، مرزهایش لرزان و پاسداشت حریمش سخت می‌شود. از این رو، عالمان علم سیاست دست به دامن نظریه‌هایی شده‌اند تا رابطه سازنده اخلاق و سیاست را تبیین کنند. دیپلماسی پیامبر(ص) و سیره سیاسی-اخلاقی ایشان در حکومت نبوی گواهی است بر این مدعا که می‌توان اخلاق و سیاست را هم‌نشین کرد بی آنکه نه از قدرت سیاست فروگذاسته شود و نه اخلاق اوده مناسبات قدرت شود، چنانکه آن حضرت هدف از بعثت خویش را ترویج ارزش‌های اخلاقی بیان می‌کند. در این یادداشت شاخصه‌های سیره سیاسی-اخلاقی پیامبر(ص) در حکمرانی خردمندانانه ایشان مورد بازخوانی قرار گرفته است.

در بحث «اخلاق سیاسی» یا «اخلاق زمامداری» دو پرسش اساسی مطرح است که جالش‌های زیادی را بین عالمان علم سیاست ایجاد کرده است: یکی اینکه «چه کسی باید حکومت کند؟» و دوم اینکه «چگونه باید حکومت کند؟» که بازخوانی سیره سیاسی-اخلاقی پیامبر(ص) می‌تواند معیارهای قابل‌تأملی برای حکمرانی خردمندانانه سیاست‌ورزان به دست دهد.

فرمانروایی بر قلوب با حفظ کرامت انسانی

یک اصل اساسی رهبر سیاسی موفق، حکمروایی او بر قلوب پیروانش با حفظ کرامت انسانی است که اگر این اتفاق بیفتد از همراهی و همکاری آنان در زمامداری برخوردار خواهد شد. در زندگانی سیاسی رسول اسلام(ص) این امر یکی از پایه‌های اصلی مثنی سیاسی و شیوه حکمرانی ایشان بود به همین دلیل پیامبر رحمت و رأفت (رحمة للعالمین) لقب گرفت. این شیوه زمامداری باعث شده بود افراد تحت حاکمیت ایشان در تمام مبارزه‌ها و مصایب زمانه بازیگر ایشان باشند، همان‌طور که آن حضرت هم شرایط زندگی و مشکلات پیروانش را درک می‌کرد تا بتواند با همدلی، سیاست‌آرامی داشته باشد.

رحمت نبوی و رأفت اسلامی

حضرت محمد(ص) با شریعت

جایگاه عدالت در سیره رضوی

پرهیز از تبعیض ناروا

فلسفه سیاسی

دکتر محمد تقی کرمی

استاد فلسفه سیاسی اسلام و هیأت‌علی پژوهشکده علوم اسلامی رضوی

حضور امام رضا(ع) در سرزمین ایران و پذیرش ولایتعهدی حکومت عباسی منشأ تحول در اندیشه سیاسی اسلام شد. این تحول، مفاهیم جدیدی همچون «عدالت» را به حوزه سیاست عملی و نظری اندیشه اسلامی وارد کرد. نوع مواجهه ایشان با حقوق اقلیت‌های دینی و نیز توزیع عادلانه منابع در نقاط دورافتاده سرزمین اسلامی، نشان از اهتمام آن حضرت بر برقراری عدالت و جلوگیری از تبعیض‌های ناروا در حکومت اسلامی دارد. این تحولات توانست جریان تمدنی را به وجود آورد که در دوره عباسیان و پس از آن امتداد یافت. در این یادداشت، فرازهایی از منش عادلانه امام رضا(ص) در تعالیم رضوی را تبیین کرده‌ایم.

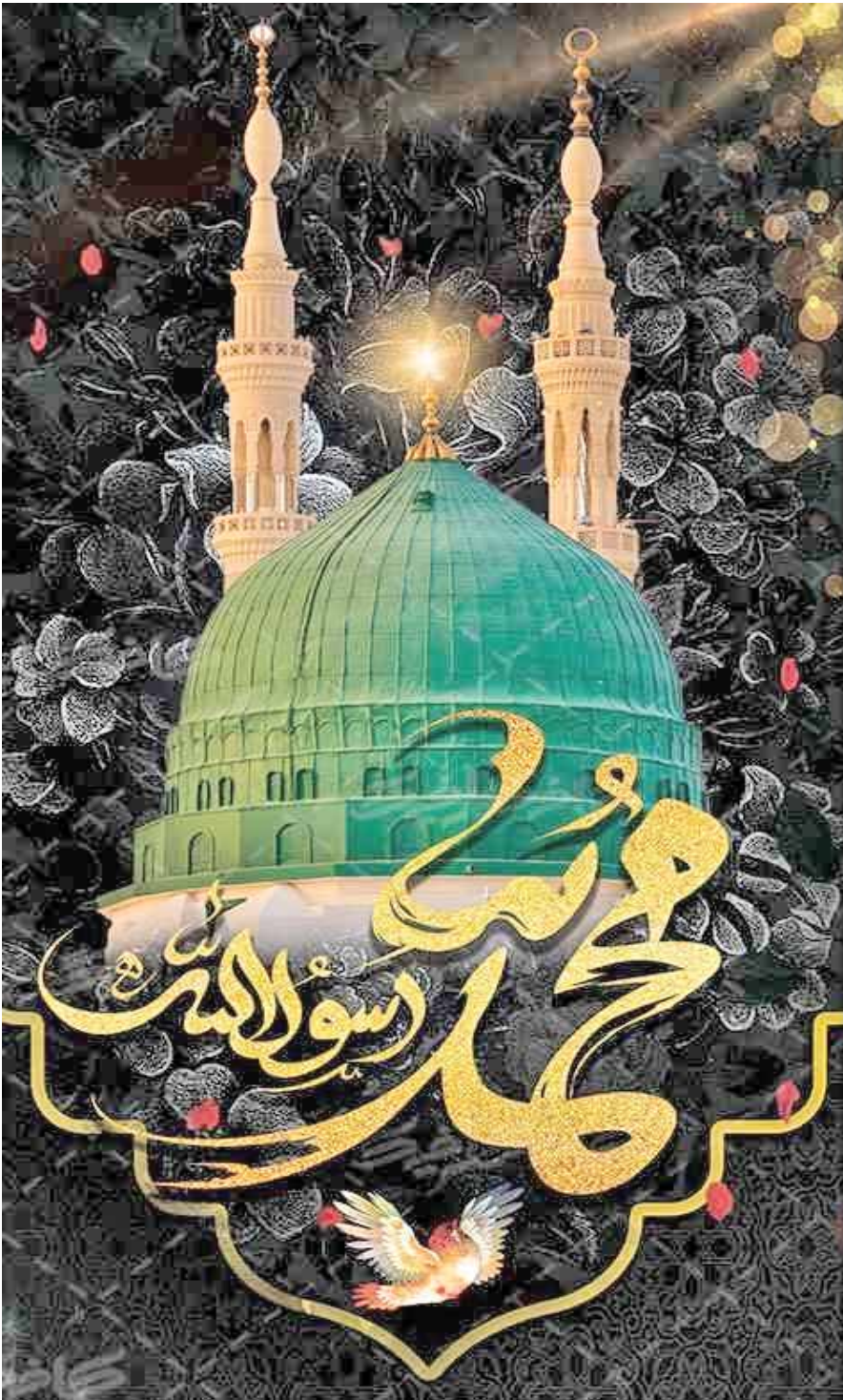
حکمرانی قانون

با حفظ شایسته‌سالاری

ظهور اسلام در شبه جزیره عرب منشأ تحولات عظیمی در تاریخ بشر بود و «اندیشه سیاسی» از جمله حوزه‌هایی بود که دچار تحولی عظیم شد. این تحول هم در سطح ساختار نظام سیاسی و شکسته شدن ساختارهای سنتی و جاهلی و تفوق نظریه شایسته‌سالاری و هم در سطح محتوایی و تقدم قانون و عقلانیت به جای تفکرات

فردمحور عهد جاهلی بود. مفهوم عدالت از جمله مفاهیمی است که با ظهور اسلام ظهوری دوباره یافت و از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی گردید و هجرت امام رضا(ع) به مرو و وقایع پس از آن، موجب جهش دیگری در عرصه عدالت اسلامی شد.

تحقق عدالت با تربیت انسان عادل از مهم‌ترین وظایف حکومت در جهت گسترش عدل



ریشه بسیاری از توفیقات زمامداری

پیامبر(ص)،

شایسته‌گزینی

و پرهیز از

واگذاری امور

به نااهلان و

پایبندی به

اصل مشورت

با متخصصان

است. حضرت

محمد(ص)

با شریعت

جدیدی که

از جانب

خداوند به

آن مبعوث

شد، نظام

حکمرانی

بدیعی را بنا

گذاشت که

متضمن

یک ویژگی

برجسته بود؛

«سیاست

اخلاقی

همراه با رأفت

اسلامی»

معرفی کرد.

در منطق سیاسی پیامبر(ص) بین حاکم و شهروندان تفاوت رتبه‌ای وجود ندارد و ایشان خود را برتر از جامعه‌اش نمی‌بینند و در پرتو این احساس مشترک بین زمامدار و جامعه است که همدلی و همدردی میان اقشار مختلف جامعه شکل می‌گیرد. پیامبر(ص) حتی خود در جنگ شرکت می‌کردند.

ابن هشام نقل می‌کند که در غزوه احد، آن زمان که مشرکان بر مسلمانان چیره شدند و جنگ سختی در گرفت: به گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان از میدان نبرد فرار کردند، آن حضرت صحنه جنگ را ترک نکرد و حتی ابی‌بن خلف از

سران مشرکان را به دست خویش به هلاکت رساند.

هدایت سیاسی جامعه با مشورت‌پذیری

ریشه بسیاری از توفیقات زمامداری پیامبر(ص)، شایسته‌گزینی و پرهیز از واگذاری امور به نااهلان و در عین حال، پایبندی به اصل مشورت با متخصصان است.

داستان آخذ و استواری بر تصمیمی که پس از مشورت با مسلمانان اتخاذ شد، یکی از بارزترین مظاهر توجه ایشان به اصل مشورت در هدایت سیاسی جامعه است؛ اگرچه تصمیم مصوب بر خلاف نظر ایشان بود اما چون

خرد جمعی را مقدم بر نظر خویش می‌دانستند با آن تصمیم موافقت کردند.

این موضع ایشان در حالی بود که به گواه سیره‌نویسان، پذیرای انتقادات نسبت به عملکردهای خویش بودند و هیچ‌گاه با مخالفان و منتقدان، برخورد تند نداشتند.

قاطع با مستولان؛

مهربان با ملت

در سیاست مدرن، گویا بر اساس یک قانون نانوشته، نزدیکان به قدرت از مصونیت‌هایی برخوردار می‌شوند که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد.

در حالی که در سیره سیاسی پیامبر(ص) عکس این روند را شاهد هستیم. چنانکه امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرمایند: «پیامبر درباره مردم از سه چیز پرهیز می‌کرد: هرگز کسی را سرزنش نمی‌کرد و از کسی عیب نمی‌گرفت و لغزش‌ها و عیب‌های مردم را جست‌وجو نمی‌کرد.» ایشان با خطای مردم با اغماض برخورد می‌کرد اما در مورد اشتباه مستولان، بسیار سختگیر و قاطع بود.

نمونه‌ای از آن، ماجرای گروه هشت نفره‌ای است که به سرکردگی عبدالله بن جحش برای جمع‌آوری اطلاعات از تحرکات مشرکان مکه به طور محرمانه فرستاده شده بودند. اما آنان برخلاف دستور ایشان عمل کردند و باعث لو رفتن اسرار شدند. مسئول حکومتی این اتفاق مورد توبیخ علنی و برخورد تند آن حضرت قرار گرفت در حالی که فرد ناگاهی که در این جریان به کار گرفته شده بود با رأفت اسلامی و اغماض با او برخورد شد.

همراه و همدل با مردم

از آنجایی که اصحاب پیامبر(ص) بشدت به ایشان عشق می‌ورزیدند، آن حضرت بیمناک بود که مبادا در وصف وی غلو کنند و سخنانی فراتر از واقعیت بگویند. بنابراین خطاب به آنان گفت: «مرا بالاتر از آنچه هستم قرار ندهید؛ آن سان که نصارا درباره مسیح سخن گفتند، درباره من سخن نگویند که به درستی خداوند پیش از آنکه مرا رسول [خویش] گیرد، بنده [خود] گرفته است.» در سیره اخلاقی پیامبر(ص)، همراه و همدل بودن با مردم، یک اصل اساسی است؛ چنانکه همواره برای عموم مردم در دسترس بودند.

مراجعاتی که به مدینه‌النبی قدم می‌گذاشتند، می‌دانستند که در چه زمانی و چه مکانی می‌توانند رهبر امت اسلام را ملاقات کنند و

بی‌واسطه مطالبات خویش را طرح نمایند.

صدق در سیاست

منش رفتاری و شیوه عملی پیامبر(ص) گواهی است بر اینکه در هیچ شرایطی خلاف اعتدال و صدق عمل نکردند و مردم را به غیر از این فرانخواستند. چنانکه حتی سرسخت‌ترین دشمنانش، ایشان را برای «صدق در سیاست» تمجید می‌کردند.

در این رابطه امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «رسول خدا(ص) از همه مردم به آنچه پیمان بسته و تعهد کرده، وفادارتر بود. در منطق عملی رسول خدا(ص) به هیچ قرار و پیمانی بی‌مهری و کم‌توجهی نمی‌شد و او در کوچکترین امور نیز خیاقتی در امانت روا نمی‌داشت.» این مثنی اخلاقی پیامبر(ص) حتی در ترویج اسلام هم صادق بود. گزارش شده است آن هنگام که ابراهیم، پسر رسول خدا(ص) در هجده ماهگی از دنیا رفت، پیامبر(ص) سخت متأثر شد و گریست.

این واقعه از قضا با رویداد خورشیدگرفتگی همزمان شد و مردم، این دو واقعه را به هم مرتبط کردند و نتیجه گرفتند که کائنات هم با آن حضرت همراهی کرده‌اند و این امر را نشانه‌ای از خداوند در تأیید پیامبرش تفسیر کردند؛ بنابراین اعتقاداتها به آن حضرت بیشتر شد. وقتی این جریان به گوش پیامبر(ص) رسید، ایشان سخت برآشفته و بر منبر رفت و اعلام کرد که در نظام الهی چنین پیوندهایی حاکم نیست: «مردم! بی‌گمان خورشید و ماه دو آیه از آیات خداوند که به فرمان او در حرکت‌اند و مطیع اویند و برای مرگ و زندگی کسی نمی‌گیرند؛ پس چون گرفتند، نمازگزارید.» سپس خود ایشان به نماز ایستاد و نماز آیات را به‌جا آورد.

ایجاد وفاق با حکمرانی قانون

آنچه در سیره سیاسی پیامبر(ص) چشمگیر است، تأکید ایشان بر ایجاد وفاق با حفظ قانونمندی است. یکی از جلوه‌های قانونمندی حاکمیت نبوی را می‌توان در بنایه‌ای دید که به منزله قانون اساسی دولت-شهر اسلامی از سوی ایشان منتشر شد. «پیمان برداری» میان مهاجرو انصار از جمله اقدامات رسول الله(ص) برای حفظ وحدت در جامعه نبوی بود. این بنایه به مثابه قانونی است که حقوق اساسی اقشار مختلف جامعه را دربر می‌گیرد و ابتکار رهبر اسلامی در تشکیل امت واحد را به تصویر می‌کشد. تأکیدات قوی و عملی پیامبر(ص) بر ایجاد وحدت و وفاق در جامعه از آشکارترین جلوه‌های حکمرانی خردمندانانه و قانونمدار نبی گرامی اسلام(ص) است.



برش

تعالیم رضوی است که ضعف و ناتوانی یا تواضع و فروتنی افراد، مانع از تعیین حقوق ایشان در روابط اجتماعی نیست. تأکید امام رضا(ع) بر تعیین حقوق افراد به تناسب کاری که انجام می‌دهند و اعطای حقوق ایشان متناسب با استحقاق‌ها، تأکید ایشان به «روابط اجتماعی عادلانه» را نشان می‌دهد.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از مقاله دکتر کرمی در پنجمین کنگره جهانی حضرت رضا(ع) با عنوان «عدالت به مثابه نفی تبعیض در قلمرو نظام اسلامی از منظر تعالیم رضوی» است که به همت سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی برگزار شد.

توجه به حقوق اقلیت‌ها

در سیره امامان شیعه بویژه امام رضا(ع) توجه به حقوق اقلیت‌های دینی و افراد غیر هم‌کیش بسیار برجسته است. ایشان انسان را به عنوان مخلوقی از مخلوقات خدا ر ج می‌نهد و این بینش را محور تعاملات اجتماعی شان قرار می‌دهند تا حق هیچ‌کس ضایع نشود. در این رابطه، داستان پندآموزی وجود دارد که مردی زردشتی اهل نیشابور دار فانی را وداع گفت و مبلغ قابل‌توجهی از میراث خود را برای تقسیم بین فقیران وصیت کرد اما حاکم نیشابور، آن مبلغ را بین فقیران مسلمان بخش کرد و خبر آن را برای مأمون عباسی فرستاد؛ مأمون که در محضر امام رضا(ع) نشسته بود از حضرت پرسید نظر شما در مورد کار حاکم نیشابور چیست؟ حضرت خطاب به او فرمودند: مسلم است که مرد زردشتی برای فقرای هم‌کیش خود وصیت می‌کند؛ به حاکم نیشابور بگو از بیت‌المال مسلمانین به همان مبلغ بردارد و بین فقیران زردشتی تقسیم کند تا حق از آن متوفی ضایع نگردد. (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۴)



برش

روابط اجتماعی عادلانه

توجه به حقوق افراد در تعاملات اجتماعی در سیره امام رضا(ع) بسیار پررنگ است. تا آنجا که در بنایی رنگین‌پوست را دید که در بنایی بخشی از منزل به سایرین کمک می‌کند. آن حضرت از خدمتکاران منزل سؤال فرمودند که این فرد کیست؟ آنها در پاسخ عرضه کردند: مردی است که در کارها به ما کمک می‌کند و مزدش را می‌دهیم. امام فرمودند: آیا مزد او را طی کرده‌اید؟ آنها گفتند: مرد قانعی است هرچه بدهیم رضایت می‌دهد! امام ناراحت شدند و فرمودند: بارها شما را از اینک کسی را بدون تعیین مزد به کار گیرید نهی کرده‌ام. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۸۸)

این روایت بانگ‌ر این دیدگاه در



از مهم‌ترین

وظایف

حکومت در

جهت گسترش

عدل و

عدالت‌گستری،

تربیت

انسان‌های

عادل به مثابه

اعضای جامعه

سیاسی عادل

و بسط عدالت

اخلاقی در

فضای جامعه

به عنوان

شرط لازم و

پیش شرط

تحقق عدالت

در صحنه

سیاسی و

اجتماعی است

و عدالت‌گستری، تربیت انسان‌های عادل به مثابه اعضای جامعه سیاسی عادل و بسط عدالت اخلاقی در فضای جامعه به عنوان شرط لازم و پیش شرط تحقق عدالت در صحنه سیاسی و اجتماعی است. در نتیجه، بحث از قانون عادلانه

یا نهادهای عادلانه فرع بر وجود انسان عادل در جامعه است. در بررسی الزامات عدالت، بحث از الزامات رفتاری عدالت در حوزه عمل سیاسی شهروندان و حاکمان و کارگزاران، مقدم بر بررسی الزامات ساختاری و نهادی و قانونی عدالت است.